

## **Methods of Thinking in Farhad Hassanzadeh's Stories Based on Lipman Theory (A Case study: Stories for Age Groups A, B and C)**

**Farahnaz Haidarinasab<sup>\*</sup>, Mirjalaleddin Kazzazi<sup>\*\*</sup>**

**Khalil Baygzade<sup>\*\*\*</sup>**

### **Abstract**

According to the intellectuals in the Philosophy for Children program, philosophical thinking skill is an educational skill that provides children and adolescents with thinking under controlled conditions, and storytelling is a multifaceted tool that can indirectly develop a child's cognitive, emotional, and social abilities. The present study examined the sufficiency and frequency of creative, caring, and critical philosophical thought types in children's stories for age groups A, B, and C, by Farhad Hassanzadeh, based on the P4C program in Lipman's theory. The results of the study show that the sufficiency and frequency of creative philosophical thinking are the highest in these stories, with the components of reasoning and experimentation, and innovation in behavior. Critical thinking with the components of other-correction and text sensitivity, and caring thinking with the component of developing responsible thinking skills are placed next. The existences of these components as well as the linguistic and literary techniques in the stories provide the

\* PhD Student of Persian Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran,  
fhaidarinasab@gmail.com

\*\* Professor of Persian Language and Literature, Allame Tabataba'i University, Tehran, Iran  
(Corresponding Author), mjazzazi@gmail.com

\*\*\* Associate Professor of Persian Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran,  
kbaygzade@yahoo.com

Date received: 05/06/2021, Date of acceptance: 30/08/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

ability and possibility of the pragmatic ideas of the “research community” of the P4C program in the stories under study.

**Keywords:** Children Stories, Farhad Hassanzadeh, Methods of Thinking, Matthew Lipman.



## شگردهای فکروورزی در داستان‌های فرهاد حسن‌زاده بر پایه نظریه لیپمن (مطالعه موردی: داستان‌های گروه سنی الف، ب و ج)

فرحناز حیدری‌نسب\*

میرجلال‌الدین کزازی\*\*، خلیل بیگ‌زاده\*\*\*

### چکیده

فکروورزی در نگاه صاحب‌نظران برنامه «فلسفه برای کودکان» مهارتی آموزشی است که فکروورزی کودکان و نوجوانان را با شرایط تحت کنترل فراهم می‌آورد و داستان‌سازی چند وجهی است که می‌تواند توانایی شناختی، عاطفی و اجتماعی کودک را غیر مستقیم پرورش دهد. پژوهش پیش‌روی چگونگی بسندگی و بسامد گونه‌های فکروورزی فلسفی خلاق، مراقبتی و انتقادی را در داستان‌های کودکان گروه «الف، ب و ج» فرهاد حسن‌زاده و توانش و قابلیت پرورش فکروورزی فلسفی آن‌ها را در کودکان بر پایه برنامه فیک در انگاره لیپمن با رویکردی توصیفی-تحلیلی بررسی کرده‌است. دستاورد پژوهش نشان می‌دهد، بسندگی و بسامد فکروورزی فلسفی خلاق در داستان‌های مورد مطالعه با مولفه‌های استدلال و آزمون‌نگری، نوآوری در رفتار بیشترین بسامد را در این مهارت دارد. تفکروورزی انتقادی با مؤلفه دیگر اصلاحی و حساسیت به متن و تفکر مراقبتی با مؤلفه رشد مهارت تفکر

\* دانشجوی دکتری، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران، fhaidarinasab@gmail.com

\*\* استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

Mjkazzazi@gmail.com

\*\*\* دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران، kbaygzade@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۸

مسئولانه در رده‌های بعدی هستند. وجود این مؤلفه‌ها و نیز تکنیک‌های ادبی داستان‌ها سبب توانش و قابلیت ایده‌های عمل‌گرایانه «اجتماع پژوهشی» برنامه فبک در قصه‌های مورد پژوهش است.

**کلیدواژه‌ها:** داستان‌های کودکان، فرهاد حسن‌زاده، شگردهای فکروریزی، متیو لیپمن.

## ۱. مقدمه

شرکت در تصمیم‌گیری‌های فردی در شرایط پیچیده و فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی متناسب با دگرگونی ارتباطات، نیازمند وجود افرادی است که در استدلال، داوری و خود اصلاحی سرآمد باشند. کیفیت زندگی و اثرگذاری فرد بر جامعه به شیوه اندیشیدن وی بستگی دارد و عواقب و خسارت فکروریزی ضعیف در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زندگی نمود دارد. رسیدن به این هدف امکان‌پذیر نیست، مگر بتوان در سنین کودکی و نوجوانی با طراحی برنامه‌هایی برای آموزش فکروریزی به کودکان اقدام کرد، با علم به پرورش اندیشمند و فیلسوف که نیازمند بسترسازی و آگاهی است، وجود برنامه فلسفه برای کودکان ضروری جلوه می‌کند. پرورش کودک اندیشمند نباید ذهن را به پرورش کودک خلاق و دانشمند آینده منحرف کند، بلکه کودک باید چگونگی گوش دادن، اندیشیدن و سخن گفتن را یاد گیرد و اولین اندیشه‌ای که به ذهنش می‌رسد، نپذیرد تا اهداف این برنامه فراهم شود. اهمیت پرورش استعدادها و اجتماعی و روحیه فلسفی در کودکان، نظریه‌پردازانی نظیر لیپمن (Lipman)؛ متیوز (Matthews) و کم (Cam) را بر آن داشته‌است که هر یک به روش‌های گوناگون و مکمل هم به مسأله پرورش چگونه اندیشیدن در کودکان پرداختند. این اندیشمندان، در ابتدا با نگاهی ابزاری به ادبیات، به این دلیل که ادبیات نمی‌تواند نیاز فلسفی و منطقی کودکان را برآورده سازد، کتاب‌های خاصی را برای سازماندهی این اندیشه تألیف کرده‌اند که بتواند تفکر را در داستان به کودکان و نوجوانان نشان دهد، اگر چه نگاه این اندیشمندان به ادبیات نگاهی ابزاری است، اما سیر ادبیات از آغاز تا امروز بر اهمیت انگیزش تفکر در داستان‌های ادبی و دینی صحه می‌گذارد. و سخن خسرو نژاد (۱۳۸۹: ۱۳) مکمل این ارتباط دو سویه ادبیات با فلسفه است:

می‌توان رابطه فلسفه و ادبیات کودک را به دو شکل تصور کرد: ادبیات در خدمت فلسفه و فلسفه در خدمت ادبیات؛ در صورتی‌که ادبیات را ابزاری در خدمت فلسفه بدانیم، آن‌گاه می‌توان به فلسفه از دو دیدگاه نگریست؛ دیدگاه اول، فلسفه را محتوا به حساب می‌آورد که در این صورت نقش ادبیات، آموزش فلسفه به کودکان خواهد بود، رمان‌های لیپمن (Lipman) نمایانگر این رابطه‌اند. نگاه دیگر به فلسفه آن است که متن ادبی کودک را وسیله‌ای بدانیم که از طریق آن می‌توان به کشف نظریه فلسفی نویسنده متن دست یافت، در این صورت تصور بر این است که هر نویسنده یا شاعر دارای فلسفه‌ای است که خواسته یا ناخواسته در متنی که آفریده‌است، مستتر است.

اصطلاح فلسفه برای کودکان که با نام کوتاه‌شده p4c از دهه هفتاد سده ۲۰ میلادی در آمریکا و به واسطه ترجمه در کشورهای اروپایی معرفی و از آن استقبال شد کاربست آن در سال‌های اخیر در کشورهای اسلامی از جمله ایران فراهم شده‌است. اگرچه این برنامه یک قاعده منظم پیش‌روی اندیشمندان عرصه تعلیم و تربیت است، اما برای اجرا نیازمند بازنگری و انطباق با فرهنگ کشور میزبان است و «کسانی چون جاسپرس (Jaspers) در دانمارک و آلوز (Alves) در برزیل، معتقد بودند که داستان‌های لیپمن، آمریکایی است و با فرهنگ دیگر کشورها هم‌خوانی ندارد و در پی تدوین داستان‌های متناسب با فرهنگ خود برآمدند (بنگرید به اکبری و مسعودی، ۱۳۹۳: ۷۷-۷۵). برنامه آموزشی فلسفه برای کودکان، نخستین بار در سال ۱۳۷۳ شمسی در ایران از طرف بنیاد حکمت اسلامی صدرا به منزله یک طرح هدفدار شناخته و گروه فلسفه و کودک در همان تاریخ در این بنیاد پایه‌گذاری شد، ولی بعدها مؤسسه‌ها و دانشگاه‌های دیگر نیز پژوهش‌هایی در این زمینه آغاز کردند (شریفی اسدی، ۱۳۸۷: ۹۷). گرچه امروزه قلمرو نظریه‌پردازی در ادبیات کودک به گونه‌ای ژرف، متأثر از اندیشه‌های جهانی است، اما ضرورت‌ها و ویژگی‌هایی درون‌زای هر جامعه و فرهنگ سرانجام مَهر خود را بر هر اثر ادبی کودک و یا هر نظر ادبی در این حیطه خواهدزد (خسرونژاد، ۱۳۸۹: ۱۳۲). ضروری است که داستان‌های مناسب در فرهنگ و ادبیات ایران نیز هر چه بیشتر شناسایی و معرفی شوند تا راهنمای اندیشمندان حوزه کودک در نگارش داستان کودکان باشند، زیرا به سخن زایپس (Zipps)، (۱۳۸۶: ۵۸) «قصه و قصه‌گویی گویای کهن‌ترین و جدیدترین هنرهاست؛ جدیدترین هنر، چون مربیان تربیتی توانسته‌اند شیوه‌های نو برای آموزش کودکان به کمک آن بیافرینند و کهن‌ترین، چون از قدیمی‌ترین اشکال ادبیات است».

## ۱.۱ مسئله پژوهش

برخورداری تمام کودکان از رشد جسمانی، اجتماعی و روانشناختی منوط به رشد زمینه و استعداد برخورداری از شرایط بسامان فرهنگ، اقتصاد و اجتماع است. در واقع، سن و سال فرعی است که تمام ظرفیت‌های ذکر شده را در خود جای می‌دهد، هر چه میزان پرباری این استعداد و شرایط بیشتر باشد، سن کودک فراتر از رشد عادی خواهد بود. داستان و قصه‌های خلاقیت‌پرور بر اساس دیدگاه فلسفه برای کودک در ذهن فعال و سؤال‌برانگیز کودک تحولی به وجود می‌آورد و زمینه‌ساز رشد اجتماعی و روانشناختی وی خواهد شد؛ زیرا حوادث و اموری که وضعیت و موقعیت دشواری را در پیرنگ داستان‌ها برای ذهن کودک خلق می‌کند، در واقع، شخصیت کودک را در برابر حل بحران و خلاقیت در حل مشکل توانا می‌سازد و به شیوه تفکر مراقبتی، هستی و جهان اطراف را به وی می‌شناساند. پاسخ به چگونگی شگردهای کندوکاو فلسفی در داستان‌های کودکانه فرهاد حسن‌زاده برای کودکان گروه سنی «الف، ب و ج» در زمینه‌سازی رشد فرهنگی و اجتماعی آن‌ها وظیفه این پژوهش است. داستان‌های حسن‌زاده در پرورش خلاقیت، مضامین فلسفی و اجتماعی به کودکان سودمند هستند و دلیل آن، به خاطر وجود حس ماجراجویی، جذابیت به واسطه شیوه‌های خلاقانه طنزپردازی در این داستان‌هاست؛ مضامین قصه‌ها فهم کودک را برای شناخت جهان اطراف بالا می‌برد و کودک می‌تواند عقاید نامعقول خود را بازیابی و اندیشه و عملکرد درست را جایگزین وقایع داستان کند و علاوه بر این، کودک در جریان داستان با راه حل‌هایی تازه مواجه می‌شود که دستگیر وی در جریان بحران و اتفاقات زندگی در حال و آینده است. داده‌های پژوهش از متن ۱۳ داستان با عنوان‌های «جنازه با اجازه»، «مردی که خودش را پیدا کرد»، «جشن تولد پردرد سر»، «شام سرد شد کوتی کوتی»، «دنیا را بلرزون کوتی کوتی»، «درختی که خوابش می‌آمد»، «بیز... بیز... بیزنس»، «بعضی از شیرها را باید بست؛ بعضی‌ها را باید خورد»، «آقا رنگی و گربه ناقلا»، «همان لنگه کفش بنفش»، «چتری با پروانه‌های سفید»، «من + جی جور + شیمپالو (خواننده نسل جوان، شیمپالو!)»، «من + جی جور + شیمپالو (عید شما مبارک شیمپالو!)» گردآوری شده‌است و پژوهش پیش‌روی فکورری فلسفی خلاق، مراقبتی و انتقادی و نیز چونی و چندی آن‌ها را در داستان‌های کودکانه گروه سنی «الف، ب و ج» مورد مطالعه بر پایه برنامه فبک با رویکردی توصیفی - تحلیلی بررسی کرده‌است.

## ۲.۱ پیشینه پژوهش

مطالعات پیشینه پژوهش حاضر معطوف به پژوهش‌هایی است که بر روی آثار روایی فرهاد حسن‌زاده که در کانون نگاه این مقاله هستند، انجام شده‌است. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که مقاله‌ای با موضوع تفکر فلسفی در داستان‌های کودک و نوجوان فرهاد حسن‌زاده نگاشته نشده‌است، اما پژوهش‌هایی دیگر در بررسی آثار کودکانه حسن‌زاده انجام شده‌است که تکنیک‌های نویسندگی و قابلیت زبان نویسنده را نشان می‌دهد: پاشایی (۱۳۸۸) زبان انگیزش تفکر را در سه اثر (آقارنگی و گربه‌ناقلا، دیو دیگ به سر، همان لنگه کفش بنفش) فرهاد حسن‌زاده بر اساس فراداستان بررسی کرده که چندصدایی بودن فراداستان قصه‌ها این امکان را در کودک به وجود آورده‌است که نگرشی همه‌جانبه و دیدی پرسشگر به متن داشته‌باشد تا کودک را از انفعال به درآورد و به تربیت نسلی پویا کمک کند. خدابین و همکاران (۱۳۹۵) شیوه‌های طنزپردازی را در داستان‌های کودک و نوجوان حسن‌زاده بررسی کرده و دریافته‌اند که طنز از عناصر برجسته و اثرگذار داستان‌پردازی حسن‌زاده است و نویسنده به کمک طنز گفتاری، طنز موقعیت، بازی زبانی، نقیضه‌پردازی، اغراق، اسم مستعار، جناس، بذله‌گویی و لطیفه‌پردازی، جاذبه و فضایی مفرح و پرکشش در داستان‌ها آفریده‌است. زندکریمی و یعقوبی جنبه‌سرایی (۱۳۹۵) شیوه‌های تعامل افقی و فرازبان محور نویسنده/راوی با مخاطب را در چهار داستان دیو دیگ به سر، آقارنگی و گربه‌ناقلا، همان لنگه کفش بنفش و دو لقمه چرب و نرم بررسی کرده‌اند که نویسنده با گرایش به فرا زبان و خلق انواع حاشیه سعی می‌کند تا با سهم‌دهی به شنونده/خواننده با یکی از شخصیت‌های قصه کودک همذات‌پنداری شود و نوعی تعامل افقی میان نویسنده/راوی با شنونده/خواننده برقرار کند گویی خود کودک، قصه‌ای را نوشته‌است که باید بشنود یا به گوش هم‌سنخ خود برساند. خجسته و نیکخو (۱۳۹۶) تحلیلی روایت‌شناسانه از داستان آقارنگی و گربه‌ناقلا بر پایه‌ی پسامدرنیسم و بوپتیقای داستان کودک داشته و دریافته‌اند که برخوردار از صدای راوی کودک در برابر راوی دانای کل بزرگ‌سال و استفاده از تکنیک‌هایی چون: هوش‌آزمایی و دعوت به همکاری کودک در جهان متن در کنار پایان‌بندی نامعین و متکثر با هدف تأکید هرچه بیشتر بر داستانی‌بودن، خواننده را به تلاشی خلاقانه و فعال برای پاسخگویی به پرسش‌های ذهنی خود فرامی‌خواند. سزاوار و همکاران (۱۳۹۹) شیوه‌های طنزپردازی فرهاد حسن‌زاده را بر مبنای

نظریه ایوان فونائزی بررسی و به مصادیق مختلف انحراف از معیار به ویژه اتصال کوتاه و تخریب حدس به عنوان وجه غالب طنزپردازی حسن‌زاده اشاره کرده‌اند.

### ۳.۱ اهمیت و ضرورت پژوهش

پژوهش پیش‌روی رابطه فلسفه و ادبیات را در داستان‌های حسن‌زاده بررسی کرده و شگردهای وی را در خلق شخصیت‌های پویا و فضا‌سازی مناسب با پیرنگ داستان و نیز بسامد مهارت‌های فکروورزی و میزان موفقیت نویسنده را در شکل‌دهی اندیشه و ذهن کودک متناسب با نگرش فلسفی حاکم بر جامعه نشان داده‌است. کاربست انگاره لیپمن در داستان‌های مورد مطالعه و میزان قوت و ضعف انگاره، فلسفه شناخت کودک را برای مخاطبان و نویسنده عملی خواهد کرد، چنانکه شناخت گستره ذهن کودک و مهارت‌های فکروورزی در داستان از طرف نویسنده و اطرافیان کودک بیشتر خواهد شد.

## ۲. بررسی موضوع

### ۱.۲ مبانی نظری

روش فلسفی لیپمن تلفیقی از شیوه دیالکتیک سقراط در تأکید بر فکروورزی نقادانه، روش تحلیل مفهوم در زبان عادی به پیروی از ویتگنشتاین (Wittgenstein) دوم و گیلبرت رایل (Gilbert Ryle) و فلسفه عمل‌گرایی با تأکید بر فایده عملی گفت‌وگوهای فلسفی به پیروی از چارلز سندرس پیرس (Charles sanders peirce)، هربرت مید (Herbert Mead) و جان دیوئی (John Dewey) است؛ وی در تشویق کودکان به تعامل زبانی-اجتماعی که در اجتماع‌پژوهی و در حین گفت‌وگوهای فلسفی جریان دارد، مؤلفه‌های روان‌شناسی اجتماعی لویگوتسکی (Lev vygotsky) را برای رشد زبان و کسب مهارت‌های اجتماعی کودکان به کار می‌گیرد. بنابراین، روش فلسفی لیپمن را می‌توان نوعی دیالکتیک اجتماعی از راه تحلیل مفاهیم زبان عادی در پاسخ به مسایل زندگی روزمره دانست (ستاری، ۱۳۹۱: ۱۲۸). لیپمن و همکارانش در این برنامه در پی کشف ذهن کودک و نوجوان در جریان رخداد داستانی هستند که می‌شنود؛ آنچه در این نظریه اهمیت دارد، فکر در مورد چهارچوب کل رخداد است. تلاش برای فکرکردن، نه تنها شخصیت کودک را



قوی می‌کند، به وی می‌آموزد در مورد هر چیز و هر نکته، حساسیت و داوری داشته‌باشد و احساس خود و دیگران را به چالش بکشد و در پی اصلاحات خود باشد (لیپمن، ۲۰۰۳: ۷۸). به اعتقاد لیپمن، فکرورزی فلسفی به واسطهٔ تعامل میان کودکان و محیط آن‌ها شکل می‌گیرد. محیط به طور عام شامل ساختمان کلاس، دیگر کودکان، خویشاوندان، دوستان، مردم جامعه، رسانه‌ها و معلم است. فلسفه برای کودکان تلاش می‌کند که دانش‌آموزان را به قدرت داوری و انتخاب صحیح و نیز توانایی فکرورزی انتقادی تجهیز کند (لیپمن ۱۹۹۸، نقل از شوشتری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱).

بنا بر نظر لیپمن، اهداف برنامهٔ فلسفه برای کودکان شامل پرورش فکرورزی انتقادی (*thinking creatal*)، فکرورزی خلاق (*thinking creative*) و فکرورزی مسؤولانه (*thinking caring*) و پرورش ارزش‌های اخلاقی، آموزش ارزش‌های هنری و نیز رشد فردی و میان‌فردی است. فکرورزی انتقادی تسهیل‌کنندهٔ داوری مبتنی بر معیار، خوداصلاحی و حساس به زمینه است (Lipman, 2003: 223). فکرورزی خلاق، عبارت است از فکرورزی دربارهٔ چگونگی بیان آنچه شایستهٔ بیان است. ویژگی‌ها و مؤلفه‌های این نوع از فکرورزی، اصالت (فکرورزی دربارهٔ موضوع‌های بکر و اصیل)، تخیل (تصورکردن جهان فرضی)، استقلال (تأییدنکردن امور و افکار دیگران پیش از فکرکردن)، نوآوری (ارائه راه‌حل‌ها و فرضیه‌های نوآورانه)، آزمون‌نگری (به آزمون گذاشتن دائم فرضیه‌ها) و خوداستعلایی و تلاش دائمی برای عبور از مراحل پیشین)، ثمربخشی (رسیدن به نتایج سودمند)، شگفتی (ایجاد حیرت)، کل‌نگری (توجه به روابط جزء و کل و دستیابی به نتیجه) است. فکرورزی مراقبتی (مسؤولانه) نه تنها مهارت اندیشیدن و حل بحران به کودک می‌آموزد، بلکه ارزش‌های عاطفی و مبانی اخلاقی را آموزش می‌دهد. این نوع فکرورزی «شامل فکرورزی ارزش‌گذار، عاطفی، فعال، هنجاری و هم‌دلانه است. (بنگرید به: Lipman, 2003: 247-246).

لیپمن، برنامه فلسفه برای کودکان را بهترین رویکرد در بهبود فکرورزی کودکان می‌داند که دلایل آن عبارتند از:

الف) علاقه؛ کودکان برای کاری که علاقه بسیار شدیدی به آن دارند، بیشتر تلاش می‌کنند. بنابراین، برنامهٔ «فک» بیشتر مورد علاقه آن‌ها است، چون شامل داستان‌های تخیلی است، دربارهٔ کودکانی همانند خودشان است و آن‌ها را به گفت‌وگویی دربارهٔ

موضوعات بحث‌برانگیزی (چون اخلاق) و ادار می‌کند. ب) فکروورزی انتقادی؛ برنامه «فبک» کاملاً دربرگیرنده «فکروورزی انتقادی» است و آن را با وسعت و عمق بیشتری تعقیب می‌کند پ) هیجان؛ برنامه فبک از فکروورزی انتقادی فراتر می‌رود و به تقویت فکروورزی انتقادی بسنده نمی‌کند، بلکه فکروورزی ممکن است در این برنامه به شدت مهیج و احساسی باشد، چنانکه راه‌هایی فراهم می‌شود که کودکان از طریق آن‌ها امکان سخن‌گفتن درباره خود و تحلیل آن‌ها را بیابند. ت) ارزش‌ها؛ کودکان در برنامه فبک از همان ابتدا متوجه می‌شوند که برخورد با موضوعات ارزشی، مستعد مبهم‌شدن، دوپهلوشدن و آشفتگی است. بنابر این، کودکان اموری را که با آن‌ها به فکروورزی دقیق و روشن هدایت می‌شوند، مغتنم می‌شمارند. ث) خلاقیت؛ فکروورزی خوب می‌تواند مانند زمانی که با همه وجود در داستانی غرق می‌شویم یا هنگامی که فرضیه‌ای را می‌سازیم، سرشار از تخیل باشد. بنابراین، برنامه «فبک» به‌ویژه در زمینه خلاقیت، موفقیت‌آمیز است. جمع‌بندی فلسفه؛ فلسفه‌فعلیتی است مبتنی بر گفت‌وگو. این کار به گشودن باب گفت‌وگو به روی تمامی اعضای جامعه، نیازی ضروری دارد (بنگرید به ناجی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۳۰-۲۸).

هدف‌های پیش‌روی لیپمن و اندیشمندان فلسفه برای کودکان بر پایه مباحث نظری نظریه در سه هدف دنبال می‌شود:

۱) اهدافی برای کمک به رشد مهارت‌ها در زبان و ایجاد مهارت‌های گفتاری و شنیداری، ۲) اهداف شناختی؛ برای ایجاد تحول در فکرکردن، پرسشی‌کردن، تصور کردن و استدلال کلامی و ۳) اهداف اخلاقی و اجتماعی؛ برای کمک به اعتماد به نفس کودکان و تشویق برای رفتار مسؤولانه (فیشتر، ۱۳۸۵: ۱۶).

## ۲.۲ هدف‌های شناختی و فلسفی

### ۱.۲.۲ فکروورزی انتقادی

فکروورزی انتقادی که در فبک مهارت‌آموزی می‌شود، تا حد امکان کودک را از پیش‌داوری و آموخته‌های تقلیدی و غیر انتقادی رهایی می‌بخشد تا بتواند دیدگاه درست‌تر را تشخیص دهد (لیپمن، ۲۰۰۳: ۷۸).

وقتی کودکان شروع به فلسفه‌ورزی می‌کنند، می‌آموزند همان‌طور که از دیگران پرسش می‌کنند، از خودشان هم بپرسند، به نحوی که از مرحله داشتن نظر شخصی به سوی مرحله ارزیابی و داوری کردن می‌روند؛ کم‌کم به این نکته پی می‌برند که چگونه تمرین گفت‌وگوهای فلسفی باعث می‌شود که پرسش‌هایشان، مطالعه‌هایشان، دوستی‌هایشان و سلیقه‌هایشان معقول‌تر شود (لیپمن و شارپ، نقل از ناجی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۱۱۶).

### ۱.۱.۲.۲ دیگراصلاحی

کودکان در داستان «جنازه با اجازه» ترغیب می‌شوند که در نگرش، اعتقاد و پیش‌داوری دوستان خود داوری کنند، چنانکه پرسش‌ها و جواب‌های دیگر دوستان، آن‌ها را متوجه گفت‌وگوی نادرست شخصیت‌های داستان می‌کند. فکرورزی منطقی که هر کس لاغر باشد، عموماً ظلم‌دیده نیست و هر چاقی، ظالم و حق‌خور دیگران نیست، نمونه تمرین گفت‌وگویی انتقادی است که در متن این داستان قابلیت اصلاح نگرش و سخن‌دیگران دارد:

پلیس‌ها سه نفر بودند و هم تفنگ داشتند، هم بی‌سیم. یکی‌شان آن‌قدر چاق و شکم‌گنده بود که دکمه روی نافش داشت کنده می‌شد، در عوض آن دو تا آن‌قدر لاغر بودند که شلوارشان داشت از پایشان می‌افتاد. عباس در گوش پارسا گفت: «این یکی حق آن دو تا را خورده، پارسا گفت: پلیس که حق کسی را نمی‌خورد کدو تبیل! حق مردم را می‌گیرد» (حسن‌زاده، ۱۳۹۷ ج: ۱۴)

مهارت آکادمیک فلسفه اخلاقی، کودکان را متوجه ارزش اخلاقی خیانت در امانت می‌کند و به شیوه گفت‌وگو و طرح پرسش، رفتار نادرست «عباس»، به عنوان شخصیتی که در امانت پدر، دخل و تصرف می‌کند، زیر سؤال می‌رود و همین دیگر اصلاحی می‌تواند مسیر اخلاقیات را در کودک فعال نماید:

گفت: «پول شارژ. بابام صبح داده بود که بدهم به آقای قالیچی، یادم رفت. حالا هم نمی‌خواهم بدهم.» «چرا؟» عباس سرش را تکان تکان داد: «می‌خواهم باهش سرمایه‌گذاری کنم. ... حالا که این جور شد، با ۵۰ هزار تومان شارژ پنجاه تا جوجه می‌خرم» (حسن‌زاده، ۱۳۹۷ ب: ۳۰-۲۹).

### ۲.۱.۲.۲ خوداصلاحی

عواقب رفتار نادرست بچه‌های آپارتمان در دعوت خودسرانه بچه‌های آپارتمان‌های دیگر به جشن تولد «درسا»، آنها را متوجه رفتار نادرست خود می‌کند. کودک خواننده / شنونده، یاد می‌گیرند که خودسرانه و بی‌توجه به امکانات خویش، هرگز دست به چنین کاری نزنند، زیرا عاقبت نادرست این بی‌برنامگی در رفتارهای نامنظم و افسارگسیخته مهمانی کاملاً مشهود است:

لحظه به لحظه مهمان‌ها بیشتر و بیشتر می‌شدند، هر چه مهمان‌ها بیشتر می‌شدند، وضع افتضاح‌تر می‌شد، دوباره زنگ، دوباره مهمان. بیچاره مامان روشنگ داشت مثل شمع آب می‌شد، ... از توی آشپزخانه روشنگ را صدا کرد، ولی روشنگ نشنید. درسا که نگران شده بود، رفت کمک کند، پارسا بلند شد و بچه‌های گروه را دعوا کرد و گفت از جایشان بلند شوند تا غریبه‌ها بنشینند (حسن‌زاده، ۱۳۹۸: ۳۵).

اغلب مفاهیم اخلاقی و اجتماعی پنهان در داستان‌های حسن‌زاده با شگرد تفکر انتقادی خوداصلاحی و دیگراصلاحی در ناخودآگاه کودک ثبت می‌شود و شخصیت این کودکان خواننده / شنونده داستان را پویا و توانمند بار خواهد آورد؛ نتیجه رشد این مهارت در کودک، وی را در رویارویی با مشکلات نظیر این رخدادها یاری خواهد داد؛ زیرا «کودکی که در مهارت‌های فکروورزی خیره شده است، صرفاً کودکی نیست که بزرگ شده است، بلکه کودکی است که ظرفیت او افزایش یافته است» (لیپمن، شارپ و اسکانیان، ۱۳۹۵: ۱۹). داستان‌های «جنازه با اجازه: ۱۴ و ۲۶»؛ «مردی که خودش را پیدا کرد: ۱۱-۱۰ و ۵۲»؛ «جشن تولد پردردسر: ۲۹ و ۳۵»؛ «شام سرد شد کوتی کوتی: ۱۰»؛ «دنیا را بلرزون کوتی کوتی: ۱۴-۱۵»؛ «قصه درختی که خوابش می‌آمد: مفهوم کل داستان به صورت پیوسته، اندیشه خوداصلاحی حرکت و تحول را در کودک بیدار می‌کند، چون تحول هستی و حرکت را در چهار فصل سال در درخت آشکارا می‌بیند»، توانایی لازم را در پرورش این بُعد از مهارت‌های فکروورزی انتقادی (دیگراصلاحی و خوداصلاحی) دارند.

### ۳.۱.۲.۲ حساسیت به متن

حسن‌زاده کودکی لجباز را در پوشش یک هزارپا خلق می‌کند تا کودکان لجباز را به راحتی با دیدن تصاویر به خوانش و شنیدن داستان علاقمند کند و رفتار اشتباه و لجبازی

## شگردهای فکرورزی در داستان‌های ... (فرحناز حیدری‌نسب و دیگران) ۱۹۳

وی را با تمهیدات مختلف و طرح پرسش‌های مکرر منطقی در مورد عواقب سوء رفتار به کودک نشان دهد. حس همانندسازی کودک در داستان تصویری «دنیا رو بلرزان کوتی کوتی» فعال می‌شود و نابسامانی رفتار لجبازی به کمک فکرورزی انتقادی غیرمستقیم اصلاح می‌شود:

همه جایش را مثل موج تکان می‌داد و بلند بلند می‌خواند: اشکال نداره کوتی ... اشکال نداره کوتی، خودت رو نکن پیچ‌پیچی ... یک مرتبه چشمش به تکه‌های شکسته گلدان افتاد، گلدانی چینی که یادگار پدرش بود. اخم‌هایش در هم رفت و از ناراحتی پیچ‌پیچی شد. ... مامان کوتی کوتی خنده‌اش گرفت و همراه او خواند: - اشکال نداره مادر ... خودتو نکن دربه در ... مامان او را بخشید و کوتی کوتی قول داد که دیگر توی خانه روپایی نزنند، حتی یکی (حسن‌زاده، ۱۳۹۸: ۸-۹).

داستان‌هایی که این نوع از تفکر اصیل را پرورش می‌دهند، داستان «مردی که خودش را پیدا کرد: ۲۱-۲۰ و ۵۰»؛ «بیز ... بیز ... بیزنس: ۳۹»؛ «بعضی از شیرها را باید بست، بعضی‌ها را باید خورد!»: ۱۲-۱۱، «دنیا رو بلرزون کوتی کوتی: ۸-۹» و «همان لنگه کفش بنفش: ۲۳-۲۲» است.

### ۴.۱.۲.۲ داورى درست

فعال کردن عنصر عقلانیت در داستان‌های فیک یک اصل است و حسن‌زاده در داستان‌هایش از این ویژگی چشم‌پوشی نکرده‌است. کودکان سوالاتی چالش‌برانگیز در مواجهه با عقیده و نظر شخصیت‌های داستان «بعضی از شیرها را باید بست، بعضی‌ها را باید خورد!» طرح می‌کنند و برای دریافت پاسخ سوالات خود به گفت‌وگو و تعامل با هم‌سالان و والدین روی می‌آورند و فایده این گفتگو، داورى رفتار نادرست اطرافیان، خانواده و جامعه است و از این دستاورد برای آینده تجربه کسب می‌کنند:

جناب آقای محمود ناشناس! چند ساله که خونه شما ساخته شده؟ سی و هشت سال. تا به حال تعمیرش کردید؟ آره. سه سال پیش آشپزخونه‌اش رو اپن کردیم. یعنی طی این همه سال هیچ وقت لوله‌های قدیمی عوض نشده؟ نه خوشبختانه، نیازی به این کار نبود ... ای بابا! مشکلی رو حل نمی‌کنه. ساختمونی که چهل سال عمر داره، ... حتی ساختمان‌های جدیدتر، اصلا نباید به لوله‌هاش اطمینان کرد (حسن‌زاده، ۱۳۹۸: ج: ۲۰-۱۹).

نظیر این نوع از مهارت فکروورزی، داستان‌های «بیز... بیز... بیزنس: ۱۵ و ۲۵»؛ «جشن تولد پر درد سر: ۳۵»؛ «شام سرد شد کوتی کوتی: ۱۵-۱۴»؛ «بعضی از شیرها را باید بست، بعضی‌ها را باید خورد!»: ۸ و ۲۰-۱۹»؛ «آقا رنگی و گربه ناقلا: ۱۴-۱۳»؛ «چتری با پروانه‌های سفید: ۳» و «همان لنگه کفش بنفش: ۲۵» است.

## ۲.۲.۲ فکروورزی خلاق

فکروورزی خلاق در تعریف لیپمن عبارت از «تفکر درباره چگونگی بیان کردن آنچه شایسته بیان است، چگونگی ساختن آنچه شایسته ساختن است و چگونگی انجام آنچه شایسته انجام است» (Lipman, 2003؛ نقل از عظمت‌مدار فرد و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۷). لیپمن، ابتدا بر این باور بود که آموزش تفکر انتقادی قادر است، همه استعداد‌های فکری کودکان را به فعلیت برساند، اما مدتی بعد متوجه شد که تفکر انتقادی به تنهایی کافی نیست، چون شامل مفهوم‌سازی و سایر مهارت‌هایی که در فلسفه رسمی و منطق صوری وجود دارد، نیست. از این رو، برای بهبود وضعیت تفکر باید ابعاد مختلف تفکر، شامل تفکر انتقادی، خلاق و مسئولانه آموزش داده‌شود (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به ناجی، ۱۳۸۳: ۱۰۲).

خلاقیت، یعنی؛ «کودکان در هر بار شنیدن و بازگویی می‌توانند متناسب با نیازهای خودشان در آن تغییر به وجود آورند و آرمان‌ها، آرزوها و ایده‌های خود را در قالب قصه‌ها بیان کنند» (گرین ۲۰۱۱)، نقل از چالاک و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۲). کودک مشغول در نانوایی شیوه بهتر اندیشیدن را در بحران به مخاطب و کودکان هم‌سن خود در داستان «همان لنگه کفش بنفش» می‌آموزد، فکروورزی خلاق بر خلاف آنچه پنداشته می‌شود، مادرزادی نیست و کودک در اجتماع و مکان‌های آموزشی به توسعه آن می‌رسد. همین که در مقابل هر تصمیمی فکر کند و تأمل داشته‌باشد، چراغ خلاقیت را در خود روشن کرده‌است:

پسرک جلو آمد و گفت: «می‌خواهی چه کارش کنی؟» شاطر دستش را دراز کرد: «بیا! ببندازش توی سطل زباله!» پسرک گفت: «حیف نیست؟» شاطر گفت: «یک لنگه کفش به چه درد می‌خورد؟ ... مگر این که آدم یک پا داشته‌باشد.» ناگهان پسرک دست‌هایش را به هم کوبید و گفت: «تیمور!» ... لنگه کفش با خود گفت: «تیمور دیگر کیست؟» ... یک مرتبه صدای تاق‌تاق شنید. بعد چیز عجیبی دید. پسری که فقط یک پا داشت با یک لنگه کفش پاره و کنار پایش یک عصای چوبی! (حسن‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۴-۲۵).

شگردهای فکروری در داستان‌های ... (فرحناز حیدری‌نسب و دیگران) ۱۹۵

داستان‌های «جنازه با اجازه: ۲۹-۲۸ و ۶۰»؛ «من + جی جور + شیمپالو: ۵ و ۲۱-۲۰»؛ و «همان لنگه کفش بنفش: ۵ و ۲۴-۲۵»، مهارت خلاقیت و اندیشیدن را به مخاطب کودک به شیوه غیر مستقیم پرورش می‌دهند.

### ۱.۲.۲.۲ تقویت مهارت تصمیم‌گیری

تصمیم‌گیری فرایندی است که ذهن بهترین راه‌حل را برای حل بحران، در میان گزینه‌های مختلف بر می‌گزیند. «هر چه تصمیم‌گیری مناسب باشد، بهداشت روانی فرد و جامعه را تأمین کرده و به ایجاد یک زندگی خوب و موفق کمک می‌کند» (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۰). آیا داستان کودک حسن‌زاده می‌تواند در تقویت این مهارت در کودکان امروز سهمی داشته‌باشد؟ اگر پاسخ مثبت است، چگونه؟ شخصیت «اشکان» در داستان «مردی که خودش را پیدا کرد» به کنترل هیجان می‌پردازد و برای رسیدن به اهداف و مبارزه با هیجانات منفی دست به ابتکار می‌زند، این قسمت آموزش فکروری مراقبتی یک داستان محسوب می‌شود، اما پاسخ به این نوع فکروری محدود نمی‌شود، بلکه عدم توجه به عاقبت کار، حس دیگراصلاحی را در کودک مخاطب بر می‌انگیزد و برای رهایی شخصیت‌های بحران‌دیده داستان به حل مسأله و تلاش برای تصمیم بهتر می‌پردازد و همین تعامل سبب ثبت یک تجربه در ناخودآگاه کودک برای حل بحران احتمالی در آینده می‌شود:

درسا گفت: «بچه‌ها من یک فکری دارم، بهش می‌گوییم، تلفن بزند به خانه‌اش ... نه، شماره خانه‌اش را می‌گیریم و خودمان تلفن می‌زنیم. اگر راست بود که هیچی، ولی اگر دروغ بود ...» اشکان گفت: «زنگ می‌زنیم به پلیس.» ... (حسن‌زاده، ۱۳۹۷الف: ۵۲).

### ۲.۲.۲.۲ تمرکز

«درک فهم کودک تنها با تکرار فرایند تمرکز انجام می‌گیرد، [از این رو] می‌تواند به تدریج داستانی را بفهمد و آن را هضم نماید» (ارنست جی. اسکچل؛ نقل از ناجی، ۱۳۹۳: ۱۹۱-۱۹۰). فرهاد حسن‌زاده اغلب روش تصویری و هدایتگری را در داستان‌هایش برای تمرین تمرکز کودک در مسیر اصلی وی برگزیده‌است. نویسنده در داستان مصور «آقارنگی و گربه ناقلا»، برای برانگیختن حس تمرکز کودک از وی می‌خواهد، موش‌های حکایت را به کمک علامت‌زدن مسیر اصلی پیدا کند که این کار سبب تمرکز، فهم بهتر و جذابیت

داستان می‌شود: «راه رسیدن گربه به موش‌ها را بکش! نه این کار را نکنید!» (حسن‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۷-۱۸).

### ۳.۲.۲.۲ افزایش تخیل

«قصه‌های شگفت‌انگیز با شخصیت‌ها و عوامل فراواقعی و رویدادهای اعجاب‌آور کودک را به دنیایی دعوت می‌کند که می‌توان در آن آزاد و رها بود و به خواسته‌ها و آرزوهای جامه عمل پوشاند» (قرن‌ایلیغ، ۱۳۸۸: ۱۴۱). نویسنده، تخیل کودک را در داستان فانتزی «آقارنگی و گربه ناقلا» با شیوه گفت‌وگوی حاکم بر داستان و با طرح پرسش‌های احتمالی از ناحیه کودک در مورد قلب و خواص عشق‌برانگیزی آن فعال نگه می‌دارد و سرانجام نادرست تمام بی‌مهری‌ها را در نداشتن قلب و عشق به وی گوشزد می‌کند (بنگرید به حسن‌زاده، ۱۳۹۹: ۲۶-۲۱). داستان‌های «بیز... بیز... بیزنس: ۵۶»؛ «جنازه با اجازه: ۱۳، ۲۱، ۲۸، ۳۸ و ۵۲»؛ «جشن تولد پر درد سر: ۲۱-۲۰ و ۳۲»؛ «من و شیمپالو (عید شما مبارک): ۵ و ۳۰»؛ «آقارنگی و گربه ناقلا: ۱۶-۱۵ و ۲۶-۲۱»؛ و «چتری با پروانه‌های سفید: ۴ و ۲۱-۲۲»، نشان‌دهنده نوآوری در رفتار و تخیل پویا هستند.

### ۴.۲.۲.۲ استدلال

منطق و چاره‌اندیشی، اساس یک تفکر خلاق است. کودکان پیامد و نتیجه رفتار سپهر را در داستان «جنازه با اجازه» با شیوه گفت‌وگو با هم‌سالان و والدین بررسی می‌کنند و علل نادرستی رفتار وی را بازگو می‌کنند تا حس منطق و استدلال را در هرکاری در خود بیدار سازند. کودک، اهمیت فکر و استدلال منطقی و انجام هر کاری را با فکوروری در گفت‌وگوی تعاملی با خود، والدین و مربی درمی‌یابد:

هیچ‌کدامشان خودکار نداشتند، اگر خودکار نداشتند. یک مغز متفکر که داشتند... ماشین آقای شکرچیان جای همیشگی پارک شده بود. همیشه هم بچه‌ها روی شیشه کثیفش یادگاری می‌نوشتند. انگشت سپهر شماره ماشین مشکوک را روی شیشه عقب ماشین یادداشت کرد ولی اگر من جای آن‌ها بودم، این کار را نمی‌کردم، چرا؟ (حسن‌زاده، ۱۳۹۷: ۲۷-۲۸).



داستان‌هایی که شیوه‌های درست‌اندیشی و چاره‌اندیشی را به صورت یک مهارت در ناخودآگاه کودک ثبت می‌کند، داستان «جنازه با اجازه: ۱۲-۱۳ و ۲۷-۲۸»؛ «مردی که خودش را پیدا کرد: ۳۹ و ۴۷-۴۸»؛ «بیز... بیز... بیزنس: ۱۱، ۱۷-۱۸ و ۴۵-۴۴»؛ «آقا رنگی و گربه ناقلا: ۱۰-۶»؛ «بعضی از شیرها را باید بست، بعضی‌ها را باید خورد!»؛ «همان لنگه کفش بنفش: ۹» و «چتری با پروانه‌های سفید: ۱۷-۱۸» است.

### ۵.۲.۲.۲ فکروری منطقی

پرورش خلاقیت و وادار کردن کودک به اندیشیدن را در داستان‌هایی جستجو می‌کند که کودکان را به گیج‌شدن، سؤال‌کردن، فرضیه‌سازی و بررسی تشویق می‌کنند (بنگرید به کم (Cam)، (۱۳۸۹: ۳۳). اهمیت رشد منطقی و نگاه نو به مسائل در این قسمت از داستان «دنیا رو بلرزان کوتی کوتی»، کودک شتونده/ خواننده را با شخصیت گم‌شده همراه می‌کند و برای پاسخ‌های وی به دنبال علت و معلول درست است:

سلام کوچولو! چرا گریه می‌کنی؟ این نگهبان پارک بود که دست روی سرش می‌کشید. کوتی کوتی گفت: «بابا و مامانم گم شده‌اند. شما آن‌ها را پیدا نکردید؟» شنید: «هاها! تو گم شده‌ای یا آن‌ها؟» گفت: «آن‌ها گم شده‌اند. من که این جا هستم» (حسن‌زاده، ۱۳۹۸ ب: ۳۰-۳۱).

کودک زمانی قادر به بیان تجارب خود است که بتواند به بررسی آن پردازد و با یک تفکر منطقی به نظاره دوباره آن بنشیند. این امر منجر به پرورش تخیل و خودانگیزگی او می‌شود و کودک را وادار می‌سازد به طرح شقوق مختلف برای یک پدیده بیندیشد (قائدی، ۱۳۸۳، نقل از قائدی و سلطانی، ۱۳۹۰: ۱۰۲). وادار کردن کودک به اندیشه به کمک فرضیه‌سازی نویسنده در این قسمت از داستان «بعضی از شیرها را باید بست، بعضی‌ها را باید خورد» نشان داده شده است؛ زیرا به دنبال آن، طرح سوالات متعدد منطقی از طرف کودک به دنبال دارد و ضمن این که مهارت درست‌اندیشی به کودک آموزش داده می‌شود، فلسفه و نگرش مراقبتی نویسنده بدون امر و نهی کردن انتقال داده می‌شود: «شما موافق بستن شیر هستید؟ به نظر من بعضی از شیرها رو باید بست و بعضی‌ها رو نباید بست. نه، به نظر من شیرها رو باید آزاد گذاشت، من همیشه با باغ وحش و سیرک و آزار حیوانات مخالف بودم» (حسن‌زاده، ۱۳۹۸ ج: ۱۷).

داستان‌های «جنازه با اجازه: ۱۵-۱۴، ۲۲ و ۳۹»؛ «جشن تولد پر در دسر: ۳۸-۳۷»؛ «شام سرد شد کوتی کوتی: ۲۵-۲۴»؛ «بعضی از شیرها را باید بست، بعضی‌ها را باید خورد: ۱۷ و ۲۰-۱۹»؛ «آقا رنگی و گربه ناقلا: ۲»؛ «دنیا را بلرزون کوتی کوتی: ۳۱-۳۰» و «همان لنگه کفش بنفش: ۲۵-۲۴»، قابلیت پرورش مهارت فکروریزی منطقی را در کودک شنونده/خواننده مهیا می‌سازند.

### ۳.۲.۲ فکروریزی مراقبتی

داستان، زمانی در پرورش تفکر مراقبتی مؤثر است که محتوای آن‌ها در راستای پرورش اخلاقیات، حس مسئولیت‌پذیری، توجه به هنجارهای اجتماعی، تعامل اجتماعی و ارزش‌های دینی و ... باشد و نهادینه کردن این ارزش‌ها در نهاد کودک به گونه‌ای باشد که کودک و نوجوان را در موقعیت تنش‌زای زندگی هدایت کند.

در فلسفه اخلاق، مانند هر موضوع آموزشی دیگر، نکته صرفاً این نیست که کودکان پاسخ‌های درست را بدانند، بلکه باید بفهمند چرا آن پاسخ صحیح است و چگونگی رسیدن به این پاسخ‌های صحیح را دریابند. در فلسفه اخلاق، انتظامی وجود دارد که هدف آن، بهتر انجام دادن داورهای اخلاقی صحیح است. فلسفه برای کودکان، این هدف را با درگیر ساختن بچه‌ها در فرایند پژوهشی و اخلاقی مستمری انجام می‌دهد که ظرفیت‌های کودکان را تقویت می‌کند تا جنبه‌های اخلاقی تجربه‌شان را بازشناسند، با دقت بیندیشند و احساس کنند، جایگزین‌های معقول را در نظر بگیرند و عادات فکری، ارزشی و رفتاری خود را اصلاح کنند (مان‌گریگوری و همکاران، ۲۰۰۸، نقل از ناجی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۱۵۳-۱۵۲). اخلاق شعبه‌ای از فلسفه است که در ماهیت خوبی و حق، یا به قول فلاسفه در باب خوبی‌ها و حق‌ها به بحث و گفت‌وگو و کاوش پژوهش می‌پردازد و می‌کوشد تا روشن سازد که انسان چگونه باید رفتار کند تا به خوشی و سعادت دست یابد (دادبه، ۱۳۷۸، نقل از اکبری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۷). هوش اخلاقی، به معنی توانایی درک درست از نادرست است. اگر هوش اخلاقی در کودک رشد نکند، به دلیل مهارنکردن امیال و ضعف اخلاق و وجدان در کودکی، احتمال این‌که در بزرگسالی نتواند شخصیتی بهنجار داشته باشند، زیاد است (فخرایی، ۱۳۸۹: ۶۹).

مفاهیم داستان‌های «جنازه با اجازه: ۶۰»؛ «مردی که خودش را پیدا کرد: ۲۸-۲۹، ۶۷»؛ «بیز... بیز... بیزنس: ۱۳-۱۲، ۲۹ و ۴۱-۴۰»؛ «شام سرد شد کوتی‌کوتی: ۱۹-۱۸ و ۳۳-۳۲»؛ «جشن تولد پر درد سر: ۲۶-۲۵»؛ «من + جی جور + شیمپالو (خواننده نسل جوان شیمپالو): ۱۹ و ۱۳-۱۹»؛ «چتری با پروانه‌های سفید: ۱۲، ۱۵ و ۲۵-۲۴»؛ «همان لنگه کفش بنفش: ۱۹ و ۲۵-۲۴»؛ «دنیا را بلرزون کوتی‌کوتی: ۱۳-۱۲ و ۱۹-۱۸» و «من + جی جور + شیمپالو (عید شما مبارک): ۹ و ۱۰» فرایند اجتماعی شدن و فکرورزی مراقبتی را به شیوه غیرمستقیم آموزش می‌دهند.

### ۱.۳.۲.۲ تفکر مسئولانه؛ جامعه‌پذیری کودک

داستانی که هدایتگر کودک و نوجوان به سوی ارزش‌های اجتماعی و توجه به احساسات دیگران باشد و آزادانه کودک را به فهم و به کارگیری ارتباطات درست و مسئولیت‌پذیری وادارد، رسالت فلسفه هدایت را به خوبی ایفا کرده‌است.

توجه به احساسات و عواطف برای لیپمن اهمیت دارد. افراد در فکرورزی مراقبتی به‌سان پدر و مادری دلسوز توأم با محبت یا چون مهندس یا طراح محیط زیست متعهد در جهت ایجاد خوشبختی و دموکراسی در جامعه تلاش می‌کنند (Tran، 2003)، نقل از عظمت‌مدار فرد و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۸). حتی کودکان خردسال که نیز جنبه‌های فلسفی مشخصی را تجربه می‌کنند؛ نسبت به دیگران احساس نگرانی و دلسوزی دارند، در مقابل بی‌عدالتی می‌ایستند، درباره خوبی‌ها و بدی‌ها داوری می‌کنند. بنابراین، توجه کودکان خردسال به بحث‌ها و فعالیت‌های فلسفی، تحمیل امری بیگانه به آنان نیست، بلکه این امر به عنوان ابزاری برای غنی کردن و نیز معنادارتر کردن جنبه‌های خاص تجربه‌هایشان به‌کار می‌رود (مان گریگوری و همکاران، نقل از ناجی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۱۸۹).

«اجتماعی شدن فرایندی است که طی آن کودک ناتوان به تدریج به شخصی آگاه و ورزیده در شیوه‌های فرهنگی که در آن متولد گردیده‌است، تبدیل می‌شود» (گیدنز، ۱۳۸۴: ۸۶). خانواده اولین محل در تعامل اجتماعی شدن و رشد تفکر است که فرصت باروری فکری کودک را مهیا می‌کند. تأکید برنامه فلسفه برای کودکان بر این دیدگاه است که عادات فکرورزی آزاداندیشی و جامعه‌پذیری را با ایجاد فضای سرگرمی در داستان برای کودک

مهیا سازد. طرح پرسش‌های این قسمت از داستان و ظرفیت پرسش‌های دیگر، کودک مخاطب را به فکروورزی در زمینه اخلاقیات وادار می‌کند:

اما خواهرش فرصت نداد و گفت: «دارم می‌روم بازارچه خیریه. ... درسا حرفش را قورت داد و گفت: «بازارچه خیریه؟» ... - آنجا غرفه داریم، برای کمک به بچه‌های یتیم و این‌ها ... - چرا کمک می‌کنید به بچه‌های یتیم و این‌ها ...؟» ... - شاعر می‌گوید: تو نیکی می‌کن و در دجله انداز و این‌ها - که چی مثلاً؟ - هر کس کار خوب و خیر و این‌ها بکند، پاداش خوبی‌هایش به او بر می‌گردد (حسن‌زاده، ۱۳۹۷ الف: ۳۱).

هدف از تفکر مراقبتی آموزش ارزش‌های اخلاقی به کودکان نیست، بلکه هدف آموزش شیوه‌های فکروورزی بی‌پایان به کودکان است که لازمه این کار، آموزش ارزش‌ها، زنده‌نگه‌داشتن حس حساسیت به متن و علاقمندی در کودکان است. مباحثه و حس سوال‌برانگیزی مباحث در کودکان، جوابگوی سوالات ذهنی کودک در باب مسائل اخلاقی و جامعه‌پذیری است و دلایل زنده که در ذهن کودک و دیگر همانندان جرقه زده می‌شود، باعث گرایش‌های مثبت در کودکان است. حسن‌زاده، کودک امروز را در داستان «بیز ... بیز ... بیزینس» متوجه فرهنگ آپارتمان‌نشینی می‌کند: آقای قالیچی گفت: «چی شده؟ باغ وحش راه انداختید؟» فراز گفت: «تو باغ وحش که مرغ و خروس نگه نمی‌دارند.» ... (بنگرید به حسن‌زاده، ۱۳۹۷ ب: ۴۱ - ۴۰).

شخصیت «کوتی کوتی» در داستان «شام سرد شد کوتی کوتی» به صورت بسیار نامحسوسی به خوانندگان، ارزش اخلاقی مسئولیت‌پذیری را گوشزد می‌کند و کودک خواننده با حساسیت به متن، جامعه‌پذیری و توجه به انجام کارهای شخصی خود را خواهد فهمید: کوتی کوتی خوابش نمی‌برد. وای که چه قدر خسته شده‌بود! نرسید چرا! دیروز کار تازه‌ای یاد گرفته‌بود: شستن جوراب‌هایش، بعد از برگشتن از مدرسه! (حسن‌زاده، ۱۳۹۸ الف: ۱۸-۱۹).

### ۲.۳.۲.۲ مهارت خودآگاهی و کسب دانش

«شنیدن قصه برای کودک امکان تصویرسازی را فراهم می‌کند و توانایی تجسم و خیال‌بافی او نیز گسترش می‌یابد، به نظر می‌رسد، این توانایی بر رشد شناختی و اجتماعی کودک تأثیر مثبتی داشته‌باشد» (گرین، ۱۳۷۸: ۲۲). کودکان در مواجهه با داستان متوجه

## شگردهای فکرورزی در داستان‌های ... (فرحناز حیدری نسب و دیگران) ۲۰۱

خودآگاهی و کسب دانش می‌شوند، چنانکه کودکان مخاطب داستان «خواننده نسل جوان، شیمپالو» پی می‌برند که با سرو صدا کردن، مزاحم دیگران نشوند و فرهنگ برخورد با دیگران و هم‌چنین نگهداری از وسایل برقی را کسب می‌کنند. مهارت آب نزدن به وسایل برقی و دست نزدن به آن‌ها شگردی است که حسن‌زاده در ضمن داستان «من+ شیمپالو+ جی جور (خواننده نسل جوان، شیمپالو!)»، به آن اشاره می‌کند (بنگرید به حسن‌زاده، ۱۳۹۳ الف: ۱۹-۱۶).

«مهارت‌های بین فردی، مهارت‌هایی هستند که با هدف ایجاد و حفظ روابط بین افراد و تعامل مثبت با دیگران، به ویژه اعضای خانواده در زندگی روزمره به کار گرفته می‌شود» (طارمیان، ۱۳۸۳: ۷۸). این مهارت‌ها، سبب دانش اجتماعی و خودآگاهی می‌گردند. حسن‌زاده در داستان «بیز .. بیز ... بیزینس»، ضمن دعوت کودک به تفکر منطقی نقطه اتصال دوستی، فکر ارزش‌گذار چگونگی تعامل و تفاهم بین افراد را نیز به کودک آموزش می‌دهد. کودک شنونده داستان از راهکار تمثیلی نویسنده می‌تواند در ذهنش تجسمی بسازد، از زندگی ناموزون دو زن و شوهر که با هم تفاهم ندارند (بنگرید به حسن‌زاده، ۱۳۹۷ ب: ۱۲-۱۳).

### ۳.۳.۲.۲ کنترل پرخاش‌گری و لج‌بازی

«قصه و داستان با مفاهیم جذاب و لذت‌بخش خود می‌تواند عاطفه کودک را برانگیزد و فعالیت‌های ذهنی وی را تسریع بخشد» (بتلهایم، ۱۳۸۱: ۳۲). پرخاش‌گری از هیجانات منفی است که نمود آن در ذهن کودک نهادینه می‌شود. ممکن است بسیاری از رفتارهای خشونت‌آمیز دستاورد تقلید از رفتار دیگران و رسانه‌هایی باشد که مشوق کودکان به سوی گرایش به این رفتار است. داستان «من+ شیمپالو+ جی جور (عید شما مبارک شیمپالو!)» می‌تواند تعامل و صبر را در این کودکان به روش گفت‌وگوی غیر محسوس، ارائه مدل‌های صبور داستان و نشان‌دادن عاقبت بد انسان خشمگین در پیرنگ داستان نشان دهد. جذابیت داستان و تحریک حس عاطفه کودک بدون این‌که متوجه باشد، از ترفندهای پایان یک داستان است. قابلیت زبان فلسفی نویسنده در پایان داستان نیز مشخص است، چون در انتها کودک خواننده/ شنونده را به حال خود رها نمی‌کند و به کمک تحریک هوش زبانش، خواهان ساختن ضرب‌المثل از طرف وی است: ضرب‌المثل این داستان: با زبان خوش می‌شه مار رو از سوراخ بیرون کشید، ضرب‌المثل خودم به تنهایی: با

زبان خوش می‌شود شیر را به زانو درآورد و ... بعضی وقت‌ها کاری که یک گلدان می‌کند، تفنگ هم نمی‌کند. ضرب‌المثل پیشنهادی شما: ..... (حسن‌زاده، ۱۳۹۳ الف: ۵).  
داستان فانتزی «دنیا رو بلرزان کوتی کوتی»، ضمن این که داوری و خود اصلاحی کودکان شنونده/خواننده را تقویت می‌کند، به شیوه تفکر مراقبتی، اخلاق بهانه‌طلبی و لج‌بازی کودکان را اصلاح می‌کند و ذهن آن‌ها را متوجه علت و معلولیت وقایع می‌کند (بنگرید به حسن‌زاده، ۱۳۹۸ ب: ۱۳-۱۲).

#### ۴.۳.۲.۲ وجدان

همه نظریه‌های رشد اخلاقی قبول دارند که وجدان در اوایل کودکی شکل می‌گیرد و اغلب موافق هستند که اصول اخلاقی کودک در ابتدا به صورت بیرونی و توسط بزرگ‌ترها و به تدریج توسط معیارهای درونی خودشان کنترل می‌شوند (برک، ۱۳۸۷: ۴۵۸). «آن‌چه در کاوشگری فلسفی اهمیت دارد، این است که کودکان بتوانند به این پرسش‌ها پاسخ دهند که چرا باید خوب باشیم یا کار خوب انجام دهیم؟ این وظیفه‌ای است که جامعه کاوش‌گر از طریق گفت‌وشنود و کاوش فلسفی بر عهده دارد» (لیپمن (۱۹۸۰)، نقل از مرعشی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴). حس همدلی و بیداری وجدان، کودکان را در داستان «مردی که خودش را پیدا کرد» ترغیب می‌کند که در همه حال به ندای وجدان عمل کنند و با فکروورزی صحیح، دستگیر نیازمندان و درماندگان شوند، نمونه بیداری وجدان، دستگیری کودکان داستان از شخصیت ورشکسته و آواره داستان است. البته باید در داستان به کودکان فهماند که در مواجهه با این رخدادها، خودسرانه پیش نروند و با بزرگ‌ترها مشورت کنند:  
سپهر گفت: «دلم برایش می‌سوزد. توی زندگی‌اش خیلی بدبختی کشیده.» فراز گفت: «این‌ها همه‌اش کلک پول است.» سپهر گفت: «کلک نیست. می‌گفت تو مشهد وضعش توپ بوده.» گفت: «واسه این که ورشکسته شده.» فراز گفت: «خب، بابای منم ورشکسته شد. چرا مثل ایشان نشد؟» سپهر گفت: «آخر ایشان بعد از ورشکستگی گیر رفیق‌های بد افتاد و معتاد شد، رفت ورق‌بازی کرد و همه چیزش را باخت، بعد با زنش اختلاف پیدا کرد» (حسن‌زاده، ۱۳۹۷ الف: ۵۰).

### ۵.۳.۲.۲ تقویت مهارت هم‌دلی

کودکانی که نیاز عاطفی خود و دیگران را درک و احساس همبستگی را در خود بیدار نکنند، هرگز نمی‌توانند در چرخه زیستی آینده تعامل‌پذیر باشند؛ زیرا «همدلی را اولین شرط خودشناسی می‌دانند که فرد خود را به جای دیگری ببیند و احساسات وی را تجربه کند» (شفیع‌آبادی، ۱۳۸۵: ۱۲۳). قصه، ابزار آگاهی و پرورش فکر و همچنین قدرت هم‌ذات‌پنداری کودک را با شخصیت داستان فعال و همین همذات‌پنداری، زمینه پرورش و باروری اندیشه کودک را در مشکل پیش‌رو تقویت می‌کند. حسن‌زاده، در داستان فانتزی «همان لنگه کفش بنفش» با تقویت مهارت عاطفی کودکان، آن‌ها را برای همنوا شدن و همدلی با دیگران آماده می‌کند. شخصیت اصلی داستان هر چند در رسیدن به مقصود دچار مشکل شده‌است، اما مجبور است برای مدتی هم‌جفت موشی تنها باشد (بنگرید به حسن‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۹).

داستان «چتری با پروانه‌های سفید» رنگ و بوی فلسفی دارد. اندیشه مراقبتی داستان، کودک خواننده / شنونده را متوجه چگونگی سخن‌گفتن، ایجاد همدلی با گفتار، پرهیز از سخن نابجا و پرورش صفات خوب هدایت می‌کند و با طرح پرسش‌های گوناگون، رفتار راننده با کودک گل‌فروش را غیر انسانی می‌داند و در جهت تقویت اندیشه همدلی گام برمی‌دارد: مادرش سفارش کرده که حتماً موقع تحویل سال خانه باشند تا با هم دور سفره هفت‌سین بنشینند. مریم به شیشه یکی از ماشین‌ها ضربه می‌زند. راننده با خنده می‌گوید: «من خودم گلم، گل نمی‌خواهم» (حسن‌زاده، ۱۳۹۹ الف: ۱۲).

### ۳.۲ اهداف زبانی و ادبی

تقویت بسامد واژگان، تمرکز فکری و تحلیل مسائل از مهم‌ترین دستاوردهای قصه‌خوانی است و اگر قصه‌ای این مسیر را با بهترین شیوه و شگرد فراهم کند و زمینه‌ساز خلاقیت و آموزش مسائل فلسفی و منطقی جامعه مدرن باشد، می‌توان گفت که قصه و داستان مهم‌ترین ابزار تعلیم و تربیت خواهد بود.

### ۱.۳.۲ شخصیت

رویدادهای داستان به تبع عمل و عکس‌العمل «شخصیت اصلی» حول اهداف، امیال، آرزوها، شکست‌ها، کمبودها و محدودیت‌های همین شخصیت شکل می‌گیرد و گسترش می‌یابد (میرصادقی، ۱۳۸۰: ۸۴). در واقع، داستان بازنویسی حقیقت زندگی است و می‌تواند از طریق بازگویی زندگی شخصیت اصلی، آنچه را از دست رفته‌است، جست‌وجو کند و نیز در پی کشف راهی است که به انزوا، ماتم و هر گونه حس نرسیدن‌ها، پشت‌پا زند. کودک خود را در این روش، در جایگاه قهرمان داستان فرض می‌کند، مانند او می‌اندیشد و گاهی قدم جلو می‌گذارد و قهرمان را در ذهن خود برای اندیشه درست و کار بهتر یاری می‌دهد. بدین ترتیب، تأثیر آموزشی و تربیتی که ادبیات به ویژه ادبیات داستانی در روند رشد و شکل‌گیری شخصیت کودکان برجای می‌گذارد، انکارناپذیر است. شخصیت «آتوسا» در داستان «چتری با پروانه‌های سفید» نماد تمام کودکانی است که درماندگی و ناتوانی را تجربه کرده‌اند. نویسنده شخصیت آتوسا و دیگر کودکان نظیر وی را در این داستان آگاه می‌کند که برای رسیدن به مقصود باید از ناامیدی صرف‌نظر کرد و با فکروورزی مراقبتی، آستانه تحمل وی را بالا می‌برد. (بنگرید به حسن‌زاده، ۱۳۹۹ الف: ۲۲-۲۱).

در داستان «جشن تولد پردرد سر»، کودکان شنونده/خواننده، با حس همذات‌پنداری خود را به جای آقای گیوه‌چی و همسرش می‌گذارند و حاصل این همانندی، پرداختن به گفت‌وگو، کسب دانش، مراعات حال و همدلی با شخص آسیب‌دیده بیمار در جامعه است: بچه‌ها زدند زیر خنده، آقای گیوه‌چی یک جوری بود؛ یعنی بیماری آلازایمر داشت. بعضی وقت‌ها یادش می‌رفت کیست و در خاطرات گذشته‌اش گم می‌شد؛ یعنی قاتی می‌کرد آن وقت هم خنده‌دار بود، هم گریه‌دار. اگر حوری خانم نبود، معلوم نبود چه بلایی سرش می‌آمد، مثل مادر مواظبش بود، همیشه در خانه را قفل می‌کرد که بی‌خبر بیرون نرود و گم نشود. با این حال گاهی او را توی خیابان یا کلاتری پیدا می‌کرد (حسن‌زاده، ۱۳۹۷ د: ۲۶-۲۵).



## ۲.۳.۲ واژگان

نویسندهٔ کودک و نوجوان باید مواظب انتخاب واژگان باشد، چون «واژگان می‌توانند صدمه بزنند و یکی از راه‌های صدمه‌زدن، استفاده از رفتارهای کلامی تحقیرآمیز و موهن است» (راس، ۱۹۸۱: ۱۹۵). ویژگی غالب این داستان‌های کودکانه حسن‌زاده‌گزینش واژگان مناسب، پرهیز از زبان تحقیرآمیز و نگارش متن به دور از شکسته‌نویسی است که این ویژگی در اغلب داستان‌های مورد پژوهش رعایت شده‌است؛ نمونه آن داستان‌های «بیز... بیز... بیزنس، چتری با پروانه‌های سفید، همان لنگه کفش بنفش و خوانندهٔ نسل جوان، شیمپالو» است. کودک قسمتی از هنجارهای نگارشی ترتیب اجزای جمله، رعایت علائم نگارشی و ... را از محیط فرهنگی داستان‌های وی کسب می‌کند، اگر چه استفاده از زبان رسمی و کامل در اغلب داستان‌هایش باعث حاکم شدن جوی خشک بر داستان است:

عباس ۵۰ هزار تومانی را بالا گرفت و گفت: «ما جوجه می‌خواستیم. پنجاه تا. حالا که نداری چی کار کنیم؟» مرد فکری کرد و گفت: «فردا برایتان می‌آورم، به یک شرط.» مرد گفت: «نصف پولش را الان بدهید.» پارسا گفت: «نصف چرا؟ همه‌اش را الان می‌دهیم» (حسن‌زاده، ۱۳۹۷: ب: ۳۵).

لذت‌بخش بودن قصه‌ها به کمک ضرب‌المثل‌های کاربردی متن، شگرد دیگری است که حسن‌زاده جهت تحکیم اندیشه و زبان ادبی کودک از آن بهره گرفته و چراغ فکرورزی و پیدا کردن ارتباط ماجرا با اصل ضرب‌المثل را در ذهن کودک، روشن کرده‌است. ضرب‌المثل: «اگر ریگی به کفش نداری، هندوانه زیر بغل بنده نگذار، گاومان زاییده و ... نمونه‌ای از این شگرد است.

## ۳.۳.۲ تم داستان

درون‌مایه، تفکری است که داستان را یکپارچه نگه می‌دارد. «درون‌مایه را می‌توان به عنوان تفسیری بر موضوع داستان تلقی کرد که چیزی را دربارهٔ زندگی یا ماهیت انسان‌ها آشکار می‌سازد» (پاینده، ۱۳۸۵: ۱۱۴). مهارت ادبی حسن‌زاده در یکپارچه‌سازی تفکر حاکم بر داستان‌ها و انتخاب رخداد‌های متناسب با آن‌ها به خوبی ترسیم شده‌است. کودک در داستان «بیز... بیز... بیزنس» ضمن سرگرم‌شدن با رخداد داستان، این اندیشه را در

ناخودآگاه خود ثبت می‌کند که هرگز بی‌برنامه و مقدمه‌چینی دست به کاری نزند، چون خریدن پنجاه جوجه ماشینی که قصد داشتند در محیط آپارتمان آن‌ها را پرورش دهند، نتیجه بی‌برنامگی و انجام کاری خودسرانه بود:

اردلان توی ذوقش زد: «چرا نمی‌فهمی؟ نگهداری از جوجه‌ها کار خیلی سختی است، جوجه‌ها باید غذای مخصوص بخورند، در دمای مخصوص نگهداری بشوند مگر الکی است که پنجاه تا جوجه را تبدیل به مرغ کنی و بفروشی؟» (حسن‌زاده، ۱۳۹۷ ب: ۴۴-۴۵).

### ۴.۳.۲ فضاسازی

«حادثه را باید با داستان تطبیق داد؛ یعنی باید کاری کرد که خواننده متقاعد شود بر این که با حوادث حقیقی سروکار دارد» (یونسی، ۱۳۸۴: ۱۶۶). همگامی با کودک و یاددهی به وی نیازمند فضاسازی است، کودک ذهنی تخیل‌پرور دارد و بهتر است که از داستان‌های فانتزی بهره گرفت تا متناسب با شرایط روحی کودک باشد، زیرا «فانتزی به بچه‌ها کمک می‌کند تا کنجکاویشان را گسترش دهند و مشاهده‌گران زندگی شوند. حساسیت به قوانین و نوع محدوده قوانین را به آن‌ها می‌آموزد و ذهنشان را روی امکانات نو می‌گشاید» (ابراهیمی لامع، ۱۳۹۱: ۵۴). حسن‌زاده در شگرد آفرینش فانتزی‌سازی به نفع کسب مهارت فکوروری در کودکان گام برداشته‌است و این جاذبه، مهارت تعامل و هیجان کودک با شخصیت‌های داستان و هم‌نوایی برای اندیشه بهتر را در وی بیدار می‌کند. نمونه توجه به داستان فانتزی و فضاپردازی متناسب با آن، کشیدن گربه روی بوم نقاشی توسط نقاش داستان و به دنبال آن فرار کردن گربه نقاشی با دیدن موش‌های داخل کارگاه نقاشی است (بنگرید به حسن‌زاده، ۱۳۹۹ ب: ۱۰-۶).

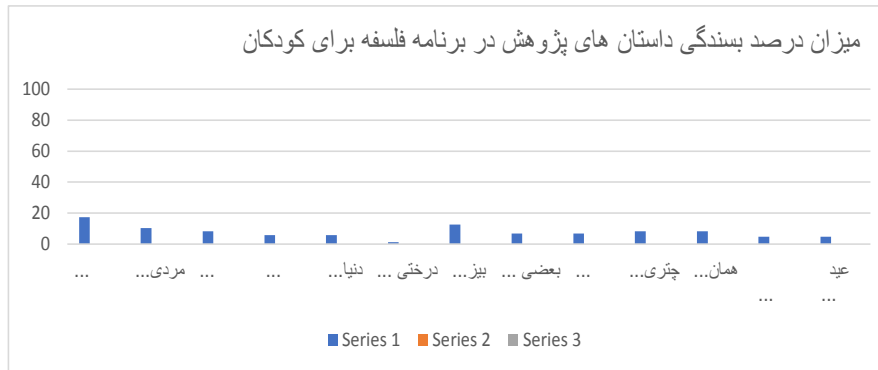
حسن‌زاده، در داستان «بیز... بیز... بیزنس»، با ایجاد یک فضاسازی به کودکان، مهارت خلاقیت و نترسیدن از ایجاد ایده جدید را آموزش می‌دهد. وی به کمک بهره‌گیری از حواس شنیداری با شنیدن لفظ «جوجه» از شخص دوره‌گرد جوجه‌فروش، متوجه ساخت واژه «سوژه» می‌شود. کودک شنونده/خواننده به کمک مربی و در حلقه کندوکاو به این نکته پی می‌برد که به کمک وقایع اطراف، می‌توان دست به خلاقیت زد (بنگرید: حسن‌زاده، ۱۳۹۷ ب: ۱۱).

### ۳. نتیجه‌گیری

داستان‌های کودکانه فرهاد حسن‌زاده که در این پژوهش مطالعه و بررسی شدند، قابلیت بسندگی و بسامد تفکر خلاق و نیز ایده‌های عمل‌گرایانه «اجتماع پژوهشی» برنامه فبک را دارند و بسامد آن‌ها پس از تفکر خلاق با ۴۸/۲۷، به ترتیب در تفکر انتقادی با ۲۸/۷۳ و تفکر مراقبتی با ۲۲/۹۸ است که از این زاویه درخور تحسین هستند. در میان کل داستان‌ها، داستان «جنازه با اجازه» با ۱۷/۲۴، داستان «بیز ... بیز ... بیزنس» با ۱۲/۶۴ و داستان «مردی که خودش را پیدا کرد» با ۱۰/۳۴، بیشترین قابلیت تفکر فلسفی را در سه نوع تفکر (خلاق، انتقادی و مراقبتی) داشتند. داستان‌های «جنازه با اجازه»، «آقا رنگی و گربه ناقلا»، و «بیز ... بیز ... بیزنس»، بیشترین بسامد تفکر خلاق، داستان‌های «بیز ... بیز ... بیزنس» و «چتری با پروانه‌های سفید» بیشترین فراوانی را در تفکر مراقبتی و داستان‌های «مردی که خودش را پیدا کرد» و «بیز ... بیز ... بیزنس» بیشترین فراوانی را در تفکر انتقادی دارند. داستان‌های مورد مطالعه علاوه بر شگردهایی که برای سرگرمی و خنده کودکان دارند، مهارت‌های تفکر خلاق و اجتماعی را برای شهروند خوب در وی نهادینه می‌کنند. نویسنده با انتخاب واژگان مناسب و دور از بیان توهین‌آمیز، آوردن شخصیت‌های فعال و گاهی فانتزی در راستای اهداف آموزشی، جذابیت متن و شکوفایی خلاقیت در کودکان گام مؤثر برداشته‌است. گفت‌وگوی شخصیت‌های داستان، فهم کودک را نسبت به جهان اطراف بالا می‌برد و کودک از طریق همانندسازی به کسب مهارت اجتماعی خواهد رسید. ویژگی‌های چندسویه داستان‌های حسن‌زاده نشان می‌دهد که می‌توان کودک را با همراهی مربی و والدین در جریان خوانش داستان، فراز و نشیب حوادث واقعی و تخیلی قرار داد و توانایی حل مسأله شناختی، اجتماعی و عاطفی کودک را غیر مستقیم و در ضمن شناساندن آداب و رسوم به وی بالا برد و در حل بحران برای دوره‌های دیگر زندگی به وی کمک کرد؛ چون اغلب درون‌مایه داستان‌ها، برخاسته از مسائل اجتماعی است که کودک با آن برخورد خواهد کرد. جدول و نمودار زیر، میزان قابلیت و بسندگی هر یک از داستان‌های پژوهش را به صورت فراوانی و درصد، نشان داده‌است.

بسامد تفکر فلسفی خلاق، مراقبتی، انتقادی و زیرعنوان‌های آن‌ها در داستان‌های مورد مطالعه

ردیف	تفکر انتقادی ۲۵ مورد	تفکر خلاق ۴۲ مورد	تفکر مراقبتی ۲۰ مورد	داستان و بسامد آن	
				تعداد	تعداد
	۲	۳	۱	جنازه با اجازه	جنازه با اجازه
	۴	۳	۲	مردی که خودش را پیدا کرد	مردی که خودش را پیدا کرد
	۳	۴	۳	جشن تولد پردرد سر	جشن تولد پردرد سر
	۲	۱	۱	شام سرد شد کوتی کوتی	شام سرد شد پردردسر
	۲	۵	۲	دنیا را بلرزون کوتی کوتی	شام سرد شد کوتی کوتی
	۱	۱۲	۲	درختی که خوابش می‌آمد	دنیا را بلرزون کوتی کوتی
	۴	۳	۲	بیز... بیز... بیزنس	من + جی جور + شیمپالو (عید شما مبارک)
	۳	۱	۲	بعضی از شیرها را باید بست بعضی‌ها را باید خورد	خواننده نسل جوان، شیمپالو
	۲	۲	۳	همان لنگه کفش بنفش	چتری با پروانه‌های سفید
	۱	۳	۲	همان لنگه کفش بنفش	همان لنگه کفش بنفش
	۱	۲			
		۳			چتری با پروانه‌های سفید



### کتاب‌نامه

- ابراهیمی لامع، مهدی. (۱۳۹۱). «کارکرد داستان‌های فانتزی در ادبیات کودکان». کتاب ماه کودک و نوجوان، دوره ۱۵، شماره ۱۷۷: ۵۸-۵۳.
- اکبری، احمد. جاویدی کلاته جعفرآبادی، طاهره. شعبانی ورکی، بختیار و تقوی، محمد. (۱۳۹۱). «فلسفه برای کودکان (p4c)، مضامین فلسفی در داستان‌های متون کلاسیک ادب فارسی»، تفکر و کودک، سال ۳، شماره ۲: ۲۵-۱.
- اکبری، احمد و مسعودی، جهانگیر. (۱۳۹۳). «فلسفه برای کودکان: رویکردهای تربیت دینی به آموزش فکرورزی»، پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، دوره ۴، شماره ۲: ۱۳۶-۱۱۷.
- بتلهایم، برونو. (۱۳۸۱). افسون و افسانه‌ها، ترجمه اختر شریعت‌زاده، تهران: نشر هرمس.
- برک، لورا. (۱۳۸۷). روان‌شناسی رشد از لقاح تا کودکی، ترجمه یحیی سید محمدی، ج ۱، تهران: ارسباران.
- بهرامی، فرزانه. معاضدیان، آمنه و حسینی، سیدعلی. (۱۳۹۲). «اثر بخشی آموزش مهارت حل مسئله و تصمیم‌گیری بر کاهش نگرش مثبت وابستگان به مواد افیونی»، اعتیاد پژوهی، دوره ۷، شماره ۲۵: ۷۲-۵۷.
- پاینده، حسین (۱۳۸۵). درآمدی بر ادبیات (۱)، ترجمه هادی آقایی، تهران: حقوق اسلامی.
- چالاک، سارا؛ مرادی، ایوب و خالدیان، محمد. (۱۳۹۷). «تأثیر قصه‌گویی و داستان‌گویی به سبک ادبی (داستان‌های کلیله و دمنه) بر پرورش خلاقیت و کاهش خشم کودکان»، روان‌شناسی اجتماعی، دوره ۱۲، شماره ۴۷: ۲۵-۱۱.
- حسن‌زاده، فرهاد. (۱۳۹۷الف). گروه ۵+۱ (مردی که خودش را پیدا کرد)، تهران: نشر افق
- حسن‌زاده، فرهاد. (۱۳۹۷ب). گروه ۵+۱ (بیز... بیز... بیزنس)، تهران: نشر افق

- حسن‌زاده، فرهاد. (۱۳۹۷ ج). گروه ۵+۱ (جنازه با اجازه)، تهران: نشر افق.
- حسن‌زاده، فرهاد. (۱۳۹۷ د). گروه ۵+۱ (جشن تولد پر دردرس)، تهران: نشر افق.
- حسن‌زاده، فرهاد. (۱۳۹۸ الف). شام سرد شد کوتی کوتی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- حسن‌زاده، فرهاد. (۱۳۹۸ ب). دنیا رو بلرزون کوتی کوتی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- حسن‌زاده، فرهاد. (۱۳۹۹ الف). چتری با پروانه‌های سفید، تهران: انتشارات فاطمی.
- حسن‌زاده، فرهاد. (۱۳۹۳ الف). من + شیمپالو + جی‌جور (خواننده نسل جوان، شیمپالو؟)، تهران: چکه.
- حسن‌زاده، فرهاد. (۱۳۹۳ ب). من + شیمپالو + جی‌جور (عید شما مبارک، شیمپالو؟)، تهران: چکه.
- حسن‌زاده، فرهاد. (۱۳۹۵). قصه درختی که خوابش می‌آمد، تهران: پیدایش.
- حسن‌زاده، فرهاد. (۱۳۹۹ ب). آقا رنگی و گربه ناقلا، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- حسن‌زاده، فرهاد. (۱۳۹۸ ج). بعضی از شیرها را باید بست؛ بعضی‌ها را باید خورد، تهران: شرکت انتشارات فنی ایران.
- حسن‌زاده، فرهاد. (۱۳۹۵). همان لنگه کفش بنفش، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- خسرونژاد، مرتضی. (۱۳۸۴). معصومیت و تجربه؛ درآمدی بر فلسفه ادبیات کودک، تهران: مرکز. راس، آلن. (۱۳۸۲). روان‌شناسی شخصیت، ترجمه سیاوش جمال‌فر، تهران: روان.
- زایس، جک. (۱۳۸۶). هنر قصه‌گویی خلاق، ترجمه مینو پرنیانی، تهران: رشد.
- ستاری، علی. (۱۳۹۱). «بررسی و نقد برنامه فلسفه برای کودکان از منظر حکمت متعالیه»، تفکر و کودک، دوره ۳، شماره ۲: ۱۰۶-۸۳.
- مرعشی، سیدمنصور؛ پاک‌سرشت، محمدجعفر؛ باقری، خسرو و سپاسی، حسین. (۱۳۸۵). «بررسی تأثیر اجتماع پژوهشی در برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش مهارت‌های استدلال دانش‌آموزان پسر پایه سوم راهنمایی مدرسه نمونه دولتی اهواز». مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شید چمران اهواز، دوره ۱۳، شماره ۲: ۵۴-۳۱.
- شریفی اسدی، محمدعلی. (۱۳۸۷). «نگاهی به آموزش فلسفه برای کودکان در ایران و چالش‌های فراروی آن»، معارف عقلی، شماره ۱۰: ۹۵-۱۱۴.
- شفیع‌آبادی، عبدالله. (۱۳۸۵). نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی. تهران: مرکز دانشگاهی.

## شگردهای فکرورزی در داستان‌های ... (فرحناز حیدری‌نسب و دیگران) ۲۱۱

شوشتری، اکرم. صفایی مقدم، مسعود و مرعشی، منصور. (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی آراء تربیتی ژان پیازه و متیو لیپمن با تأکید بر برنامه آموزش فلسفه برای کودکان»، پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، دوره ۳، شماره ۱: ۲۶-۵.

طارمیان، فرهاد. (۱۳۸۳). مهارت‌های زندگی، تهران: تربیت.

عظمت‌مدار فرد، فاطمه. نصرآبادی حسنعلی، بختیار و حیدری، محمدحسین. (۱۳۹۸). «بازخوانی داستان‌های مثنوی بر مبنای مؤلفه‌های تفکر فلسفی و تدوین راهنمای داستان‌ها برای استفاده در اجتماع پژوهشی»، تربیت اسلامی، دوره ۱۴، شماره ۲۸: ۲۹-۵۲.

کم، فیلیپ. (۱۳۸۹). با هم فکر کردن (کندوکاوی فلسفی برای کلاس)، ترجمه فرزانه شهرتاش و مژگان رشتچی، تهران: شهرتاش.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.

قائدی، یحیی و سلطانی، منظر. (۱۳۹۰). «فلسفه ویتگنشتاین و برنامه فلسفه برای کودکان (p4c)»، تفکر و کودک، سال ۲، شماره ۱: ۱۰۷-۹۱.

قرنل ایاغ، ثریا (۱۳۸۸). ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن، تهران: سمت.

فخرایی، الهام (۱۳۸۹)، «فلسفه برای کودکان؛ گامی به سوی پیوند با جامعه»، تفکر و کودک، سال ۱، شماره ۱: ۶۹-۸۱.

فیشر، رابرت. (۱۳۸۵). آموزش تفکر به کودکان، ترجمه مسعود صفایی مقدم و افسانه نجاریان، اهواز: رسش.

لیپمن، متیو؛ شارپ، آن مارگارت و اس اسکانیان، فردریک. (۱۳۸۵). فلسفه در کلاس درس، ترجمه محمد زهیر باقری نوع پرست، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

میرصادقی، جمال. (۱۳۸۰). عناصر داستان، تهران: سخن.

ناجی، سعید. (۱۳۹۳). کندوکاو فلسفی برای کودکان و نوجوانان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

یونسی، ابراهیم. (۱۳۸۴). هنر داستان‌نویسی، تهران: نگاه.

Lipman, M.(2003).Thinking in education. Second edition. Combridge: Combridge University press.